

" - حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود : هرگاه به درنده‌ای برخورد کردی ، رودر روی او بایست و آیه الکرسی را بتمام بخوان و بعد بگو : (متن مفصل دعا بزبان عربی) ، که انشاء الله آن درنده روی از تو برگرداند . عبدالله بن یحیی کاهلی گوید که من زمانی از شهر بیرون رفتم و ناگاه درنده‌ای سر راه مرا گرفت . پس من همچنان کردم که حضرت علیه السلام فرموده بود . و چون همه دعاها را بخواندم ، به درنده گفتم از راه ما بازگردو ما را میازار . پس دیدم که سرش را بزیر انداخت و دمش را میان دو پایش برد و برگشت . " (متن حدیث در صفحه ۶۱۳) .

درس های حدیث : اول آنکه حیوانات درنده ، معمولاً بر اثر اطلاع از مضمون این حدیث و " اعتبار " بیچسون و چرای آن ، در تمام مدت نیم تا یکساعتی که خواندن دعا طول میکشد بجای خود میایستند و گوش میدهند و بعد هم با خجالت برمیکردند . دوم آنکه خون هرکس که عربی نداند ، یا در عالم " دستپاچگی " متن دعا را فراموش کند ، پای خودش است . سوم آنکه در صورت تردید باید به مؤمنینی که در راه خود به درنده برخوردده و ببرکت اطلاع از این حدیث زنده برگشته‌اند ، مراجعه شود .

" - محمد بن یحیی از احمد بن محمد ، واو از قاسم بن یحیی ، واو از جدش حسن بن راشد روایت کند که حضرت امام ابی عبدالله جعفر صادق علیه السلام فرمود : هرکه عطسه زند و دستش را براستخوان تیغه بینی نهد

و بگوید " الحمد لله رب العالمین " ، همانوقت است از سوراخ بینی او پرنده‌ای کوچکتر از ملخ و بزرگتر از مگس بیرون آید و بکسره برود تا به زیر عرش برسد ، و در آنجا تا روز قیامت بماند و برای او استغفار کند " (متن حدیث در صفحه ۷۷۰) .

مؤمنین توجه خواهند داشت که بعد ازین ، پس از عطسه راه سوراخ چپ بینی خود را برای خروج " پرنده‌ای کوچکتر از ملخ و بزرگتر از مگس " باز بگذارند ، و احیاناً مزاحم پرواز پرنده زیان بسته نشوند ، زیرا از خانه آنها تا زیر عرش راهش خیلی دور است .

x x x

یکدسته دیگر از احادیث ، که جای خیلی زیادی را در غالب کتب حدیث اشغال میکند ، سخنان حکمت آمیز و حاوی راهنمایی های فکری یا عملی پیغمبر یا ائمه اطهار ، و یا کارها و " کراماتی " است که از آنها نقل شده است ، و علامه مجلسی که بخصوص متخصص نقل این نوع احادیث است تصریح کرده که همه آنها از طریق مستقیمه ائمه ظاهرین با و رسیده است . نمونه هائی از این دو نوع حدیث را ، ذیلا برای شما نقل میکنم :

— " علی بن محمد از محمد بن صالح روایت کند که گفت : کنیزی داشتم که از او خوش میآمد . به حضرت امام مهدی (در زمان غیبت صغری) نامه نوشتم و از آن جناب خواستم که با علم کامل خود مرا در امر باردار ساختن او راهنمایی فرماید . جواب آمد : " باردارش ساز " ، پس با او نزدیکی کردم و آبستن شد . سپس بچه را سقط کرد و خودش هم مرد . " (کلینی ، اصول کافی ، کتاب الحجج ، باب مولد الصاحب الزمان علیه السلام) .

- از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسالت پناه حضرت امیرالمؤمنین را نزد خود طلبیدند و بدست مبارک عمامه بر سرشان پیچیدند، و یک سر عمامه را از پیش رو آویختند و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت کوتاه تر از عقب آویختند. پس فرمودند که : برو ، رفت . پس فرمودند که : بیا ، آمد . پس فرمودند : واللہ کہ از این بهتر نمیشود ، و چنین است تا جہای ملائکہ ! (متن حدیث در صفحہ ۵۳۰) .

- حضرت رسول اکرم فرمود : از کوزه هائی کہ در مصر میسازند آب مخورید کہ غیرت را میرد .
- و فرمود کہ زنان بنی اسرائیل ہلاک شدند بسبب آنکہ موی سر خود را در جلو گرہ میزدند .
- و فرمود : سر را بسیار شانه کردن ، قوت جماع را زیاد میکند .

- حضرت امام جعفر صادق فرمود : نعلین سیاہ میپوشید کہ ذکر را سست میکند ، و نعلین زرد میپوشید کہ ذکر را سخت میکند و پوشش پیغمبران است .
و بہ حدیث دیگر فرمود : هرکہ نعلین زرد یا سفید بپوشد او را مال و فرزندان بہم رسد ، و هرکہ نعلین سیاہ بپوشد نہ تنها هیچکدام از این دورانیابد ، بلکہ ذکرش نیز سست شود . و فرمود : سرمہ بچشم بکشید کہ قوت جماع را زیاد میکند و کمک میکند برطول دادن سجد . (متن حدیث در صفحہ ۷۲۷) .

- و نیز آن حضرت فرمود کہ : ریش را شانه کردن دندانها را محکم میکند و فقر را برطرف میکند و بلفم را قطع میکند و قوت جماع را زیاد میکند ، بشرطی کہ ریش را از پائین بہ بالا شانه کنند .

- و نیز فرمود کہ شانه کردن پائین ریش ، طاعون را از این کس دور میگرداند .

- در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر آمده است که فرمود هر که ناخنهای خود را در روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز جمعه بگذارد، خداوند پریشانی را از او زائل گرداند، و نیز فرمود هر که در پنجشنبه ناخن بگیرد فرزندان بسیار شود و در دچشم نبیند. و نیز فرمود که سر را با خطمی شستن در روز جمعه فقر را برطرف کند. (متن حدیثها در صفحه ۷۶۵) .

- حضرت امام رضا فرمود بدرستی که دهن درّه از جانب شیطان است، و عطسه از جانب خداوند عالمیان است. (متن حدیث در صفحه ۷۷۱) .

- و حضرت امام جعفر صادق فرمود اگر صدای عطسه کسی را شنیدی حمد و صلوات بگو، اگر چه میان تو و آن کس دریا فاصله باشد. (متن حدیث در صفحه ۷۷۰) .
(مرحوم کلینی در نقل این حدیث توضیح نداده است که صدای عطسه کسی را از آنطرف دریا چطور میتوان شنید ؟) .

- از حضرت امام جعفر صادق منقول است که : در عالم ۲۱ نوع گل وجود دارد که سید آنها مورد است، و ۱۲۰ قسم میوه وجود دارد که بهترین آنها نار است. (متن حدیث در صفحه ۷۹۳) .

- حضرت یعقوب علیه السلام به فرزند خود گفت : زنهار زنا مکن، که مرغی که زنا میکند پرهايش میریزد. (قطعاً علامه مجلسی، رضوان الله علیه، تفسیری هم بر این حدیث نوشته و مشخص فرموده اند که مرغهایی که بخواهند زنا نکنند برای جاری کردن صیغه ازدواج شرعی دائم یا موقت باید به کدام حجة الاسلام مرغها مراجعه کنند، ولی این تفسیر بدست ما نرسیده است. متن حدیث در صفحه ۷۸۲) .

- حضرت امام رضا (ع) فرمود: با دروج بخورید که سبزی ما اهل بیت است، وتره تیزک مخورید که سبزی بنی امیه است. (متن حدیث در صفحه ۷۹۵).

- از مکروهاتی که فقر میآورد این است که قاب پلو را روی نان بگذارند (متن حدیث در صفحه ۷۵۶).

- از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که نماز کسی که انگشتر عقیق در دست داشته باشد بر نماز کسی که انگشتر غیر عقیق در دست داشته باشد به چهل درجه زیادتی دارد. (متن حدیث در صفحه ۷۶۱).

- حضرت رسول اکرم فرمودند به دو انگشت غذا خوردن کار شیطان است، ونهی فرمودند از خوردن و آشامیدن بدست چپ. و حضرت امام موسی کاظم فرمودند که پس از غذا خوردن خلال کنید، اما خلال مکنید به چوب گل و درخت انار که هر دو رگ خوره را بحرکت میآورند. (متن حدیث در صفحه ۷۴۵).

- در حدیث آمده است که خدایتعالی را خوش نمیآید که مردم مربع (چهارزانو) بنشینند. (جامع عباسی).

x x x

دسته دیگری از احادیث "معتبره"، مربوط به احکام و فتاوی مختلف است که چون هر یک از آنها از قول پیغمبر یا یکی یا چند امام بیان میشود، طبعاً صورت حکم فقهی و "دستورات تغییرناپذیر الهی" پیدا میکند، و این احکام غالباً بصورت قاطع در کتب مهم فقه، از قبیل تذکره الفقهای علامه حلی و "جامع عباسی" شیخ بهائی و "تحریرالوسیله" و "توضیح المسائل" حضرت آیه الله خمینی اعلام شده است.

هزار ها از این احادیث و احکام ناشی از آنها در کتب مختلف حدیث " مکتب فیضیه " روایت شده ، و صدها نمونه از میان آنها نیز در کتاب حاضر نقل گردیده است . نمونه های زیر چند مورد انگشت شمارا از آنهاست :

x x x

— « به سند معتبر از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله منقول است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بنزد خود طلبید و بوی فرمود که : یا علی ! آنچه را که بتو میگویم از حضرت جبرئیل آموخته ام ، و آنرا بتو وصیت میکنم که بدقت انجام دهی :

یا علی ، ایستاده بازن خود جماع مکن ، و در شب عید فطر جماع مکن ، و در شب عید قربان جماع مکن ، و در شب نیمه شعبان و در روز آخر شعبان جماع مکن ، و در زیر درخت میوه دار جماع مکن ، و در میان اذان و اقامه جماع مکن ، و در برابر آفتاب جماع مکن ، و بر پشت بام جماع مکن ، و در ساعت اول شب جماع مکن ، و در زیر آسمان جماع مکن ، و بر سر راه تردد مردم جماع مکن ، و میان صبح تا طلوع آفتاب جماع مکن ، و در موقع تحت الشعاع جماع مکن ، و در روزی که آفتاب میگیرد جماع مکن ، و در شبی که ماه میگیرد جماع مکن ، و در شب یا روزی که باد سیاه یا باد سرخ یا باد زرد حادث شود جماع مکن . » (علامه مجلسی در بحار الانوار و در حلیة المتقین ، متن حدیث در صفحه ۷۲۵) .

و بعد از آنکه مؤمن با مراجعه به تقاویم و به پیش بینی های مربوط به کسوف و خسوف و بادهای سرخ و سیاه ، بالاخره وقتی را برای مجامعت بازن خـود پیدا کند که اشکال شرعی نداشته باشد ، نوبت رعایت

این حکم دیگر شرعی میرسد که این بار راوی آن حجت الاسلام غزالی ، در کتاب " کیمیای سعادت " است :

- " پس چون بر فرج زن دخول کند ، بگوید : " بسم الله العلی العظیم ، الله اکبر ! الله اکبر ! الله اکبر ! و اگر پیش از آن قل هو الله احد را بخواند نکوتر باشد ... و در وقت انزال بگوید که : الحمد لله الذی خلق من الماء بشراً وجعله نساءً و صهراً . که این را رسول صلی الله علیه وآله گفته است " .

و نیز این حکم شرعی مشابه ، که در جامع عباسی " توسط علامه شیخ بهائی آمده است :

- " مکروه است در حال جماع سخن گفتن ، مخصوصاً مرد را ، مگر آنکه ذکر خدای تعالی کند " . (متن حدیث در صفحه ۷۱۹) .

معلوم نیست که مؤمنین با اطلاع بر این احادیث و احکام روشن ، باز هم در نیت مجامعت باقی بمانند یا ترجیح بدهند که بجای آن نمازهای قضای خود را ادا کنند که زحمتش کمتر است . احوط آن است که برای اخذ تصمیم قطعی ، قبلاً از چند آخوند بزرگوار ، چه آیه الله ، چه حجة الاسلام والمسلمین ، چه قاضی شرع و چه طلبه تازه کار مدرسه فیضیه ، جویا شوند که آیا در موقع مجامعت با وجود قرائت تمام این ادعیه و اذکار بسیار توانسته اند کار را ادامه دهند یا خیر ؟

احتمالاً ، اخذ گواهی مشابهی نیز در مورد رعایت این حدیث موثق که در " نهج الفصاحه " ، بر اساس احادیث کتب اربعه و صحاح سته ، از حضرت رسول اکرم نقل شده است ، ضرورت دارد :

- " رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که : وقتی یکی از شما با همسر یا کنیز خود مقاربت کند

۱- با سعه رهای میدان جنگ اسلام و کفر اسباب سود .

به فرج او ننگرد که مایه کوری است " .

در این مورد ، شاید بتوان حتی به گواهی یک شاهد عادل نیز اکتفا کرد ، یعنی اگر از میان تمام مؤمنین مکتب روحانیت مبارز ، اعم از آیات الله العظمی و آیات الله غیر عظمی و حجج الاسلام و ثقات الاسلام وقضات شرع و شیوخ و محدثان و وعاظ و روضه خوانان جلیل ، و نیز از مؤمنین روحانیت غیر مبارز ، یعنی کافه مؤمنان دیگر ، حتی یک نفر پیدا شود که باقیه قسم ادعا کند هیچوقت به فرج زن خود ننگریسته است ، برای استحکام حکم کافی است ، و مؤمن باید آنرا حدیث ضد در صد معتبر بداند و در اجرای آن بکوشد . ولی اگر اصولا چنین شوهری در دنیا پیدا نشود که نشود ، در آن صورت باید برای این مسئله جوابی یافت که چطور هنوز مؤمن مبارز و غیر مبارزی در روی زمین پیدا میشود که کور نشده باشد ؟

شاید احادیث دیگری که در همین زمینه توسط محدثان بزرگوار مختلف نقل شده (البته با نیت خیر) ، تا حدی قاطعیت حکمی را که نقل شده ، تعدیل کرده باشد :

- " از حضرت امام جعفر صادق پرسیدند : اگر کسی به دست وانگشت با فرج زن یا کنیز خود بازی کند چگون است ؟ فرمود که باکی نیست ، اما چیز دیگری را بغیر از اجزای بدن خود در آنجا داخل نکند " . (متن حدیث در صفحه ۲۲۹) .

x x x

" - اگر سگی به گوسفندی بجهد و بچه از ایشان حاصل شود ، پس اگر آن بچه به سگ شبیه باشد نجس است ،

و اگر به گوسفند شبیه است یا به هیچ حیوانی شبیه نیست ظاهر است، اما اگر سگی به خوکی بجهد و بجای حاصل شود که به هیچکدام شبیه نباشد، در نجس بودن آن مانع محتهدین خلاف است. " (شیخ بهاشی : جامع عباسی ، باب نوزدهم ،) .

السنه تلمای اعلام ، هم بحر العلوم هستند و هم از الهامات غیبی برخوردارند ، بنا براین در مورد احکام صادره از جانب ایشان فضولی نمیتوان کرد . معینا تذکر این موضوع ضرورت دارد که :

هیچوقت از سگی که به گوسفندی بجهد ، یا از سگی که به خوکی بجهد ، بجای حاصل نشده است و نمیشود ، تا در پاک بودن یا نجس بودن آن میان محتهدین عظام خلاف افتد ، زیرا این تولید مثل مستلزم هماهنگی " ژن ها " است که در این حیوانات یکسان نیست ، بهمین جهت اصولا نه سگی به گوسفندی میجهد ، نه گوسفندی به خوکی ، و هرکدام از آنها فقط به هم نوع خود میجهند ، آن هم در فطری که غریزه تولید مثل در آنها بدین کار حکم میکند .

تنها حیوانی که تاکنون بدون تبعیض و تفاوت و در هر موقعی که " پاداده " به هر حیوان بیدفعاساع دیگری " جهیده " است ، آخوند یا اشاع آخوند بوده است . اما در این مورد نیز کاربرد " حاصل شدن بجای " نرسیده است تا این سؤال مطرح شود که فی المثل اگر آخوند به الاغی جهیده باشد و بجای از ایشان حاصل شود ، پس اگر آن بچه به آخوند شبیه باشد حکمش چیست و اگر به الاغ شبیه باشد حکمش چیست ؟ علت هم این است که طبق احکام روشن و صریحی که در مورد " وطی با حیوانات " و " دخول بر چهار پایان " در تمام کتب فقهی بیان شده (منجمله در توضیح المسائل حضرت

آیه الله خمینی، مسائل ۸۶ ، ۲۵۱ ، ۲۶۲۱ و ۲۶۳۲) پس از آنکه کار به این مرحله بکشد ، حیوان زبان بسته‌ای را که مورد تجاوز قرار گرفته (نه متجاوز گردن کلفت را) کتفه و سوراخ‌دهاند ، و در نتیجه مسئله " بجه " همچنان لایسحل مانده است . برای اینکه در باب دفعیای بزرگوار امکان هیچگونه مسامحه یا تخطی را در احرای این حکم " الهی " باقی نگذاشته‌اند ، به این حکم بسیار شرعی و بسیار عادلانه که در این زمینه در همه کتب فقه آمده است ، توجه فرمائید :

" - اگر شخصی حیوانی را وطی کرده باشد ، گوشت آن حیوان و آنچه از او متولد میشود حرام است اگر گوشت او را خورند ، و باید که درین صورت آن حیوان را بکشند و بسوزانند . و اگر آن حیوان با حیوانات دیگر مشته و مخلوط شده باشد ، در این صورت جمیع آن حیوانات را دو قسم کنند و قرعه بزنند ، و اینکار را همچنان ادامه دهند تا آنکه یکی بماند ، و آن یکی را بسوزانند " ! (شیخ بهائی در جامع عباسی ، متن در صفحه ۷۳۴) .

x x x

- زنهای سیده بعد از تمام شدن شصت سال یا شصه میشوند ، یعنی خون حیض نمی بینند ، و زنهاییکه سیده نیستند بعد از تمام شدن پنجاه سال یا شصه میشوند . (آیه الله خمینی ، توضیح المسائل ، مسئله ۴۳۵) .

البته افتخار این کشف بزرگ علمی و مذهبی با حضرت آیه الله نیست ، این حرف نامعقول را از همان قرون اولیه پیدایش " مکتب آخوند " و جزو سایر احکام و احادیثی که بقصد فضیلت تراشی برای سادات اولاد

پیغمبر ابداع شد، سمیان آوردند. و آیه الله اعظم
نیز آنها را مانند سایر روایات " معتبره " بزرگان
فقه و حدیث پذیرفته است .

با اینهمه شاید جای تعجب باشد که یک مرجع
عالی مکتب " روحانیت مبارز " حنی زحمت این را بخود
نداده باشد که در باره صحت یا سقم ادعائی بدین
اندازه بی اساس، بیگانه و مضحک از یک شاگرد مبتدی
رشته پزشکی، از یک مامای سرگذر، و دست‌کسبم از
نزدیکان و محارم خود تحقیق کند، تا در صورت اثبات
آن از خداوند بپرسد که این ساداتی که خود بخود و جز
بشرط " ان اکرمکم عندالله اتقیکم " هیچ امتیازی بر
دیگران ندارند، چه تاجی بر سر خدا و ملائک زده‌اند
که در مورد آنها قوانین عام و کلی آفرینش زیر پا
گذاشته شود؟

x x x

- " کسی که آلتش را بریده‌اند، اگر کمتر از
مقدار ختنه گاه راهم داخل فرج کند روزهاش باطل
میشود، ولی اگر چنین کسی که آلتش را بریده‌اند شک
کند که دخول شده یا نه، روزهاش صحیح است " . (آیه
الله خمینی: توضیح المسائل، مسائل ۱۵۸۵ و ۱۵۸۶).
این بار دیگر موضوع درست یا غلط بودن یک
حدیث در میان نیست. موضوع یک " معجزه اسلامی " یا
لااقل " معجزه‌ای از معجزات مکتب اسلامی فیضیه " در
میان است. خود شما هم فراموش نکنید که اگر یکوقت
(خدای نکرده) جزو کسانی در آمدید که " آلتشان
را بریده‌اند " و با این وصف دچار شک شدید که دخول
کرده‌اید یا نه، و اگر دخول کرده‌اید بدانند از ختنه‌گاه -

یا بستر و یا کمتر از آن - دخول کرده‌اید، حق دارید
با اطمینان خاطر ادعای معجزه بکنید، محاکم شریع
نیز طبعاً این ادعای شمارا ثبت خواهند کرد، زیرا حکم
حکمی است که از طرف فقیه والی در ولایت فقیه صادر
شده است، و " حکمی که از طرف نایب امام صادر شود
در حد حکم خود امام، و حکم امام در حد حکم الهی
است " .

ضمناً بدین احکام و فتاوی علامه شیخ بهائی استاد
فقهی آیه الله خمینی، مدظله العالی، در " جامع
عباسی " نیز توجه فرمائید :

- " جمیع احکامی که ذکر شد، دخول در قبل (جلو)
و دخول در دبر (عقب) را شامل میشود، ولی در هر
دو حال شرط آن است که تمام حشفه یا قسمتی از آن در
دبر یا در قبل غایب شده باشد، اما آیا این احکام
نسبت به کسی که حشفه‌اش را بریده باشند نیز مترتب
میشود یا نه ؟ میان مجتهدین در این باره خلاف است . "

x x x

- بستن رحم زن بمنظور جلوگیری از حمل، در
صورتیکه موجب عقیم شدن نیست اشکال ندارد، اما بعد
از انعقاد نطفه جایز نیست .

(از " تازه‌ترین استفتاات امام " ، نقل از
نشریه پاسدار اسلام، رونا ماه اطلاعات، ۱۷ مهر ۱۳۶۱) .
ظاهراً در مکتب طبیبی روحانیت مبارز، میتوان
بعد از انعقاد نطفه بمنظور جلوگیری از حمل، رحم
را بست، بدین جهت در اصل موضوع تردیدی نشده، فقط
با جائز بودن آن مخالفت شده است .

ولی در همین مکتب، قبلاً راه دیگری برای " اعاده
حیض " و در نتیجه رفع خطر حاملگی ارائه شده است که

در دسر بستن یا باز کردن رجم را بر طرف میکنند . راه حل
 طبق معمول توسط علامه مجلسی ، عظم الله اجوره ، که
 همیشه بانی خبر بوده است ، عرضه شده است ؛
 - " در حدیث موثق است از حضرت امام موسی کاظم
 علیه السلام ، که فرمود : هر زنی که حیض قطع شده باشد
 به حنا خضاب کند تا حیض برگردد . " (حلیة المنقبین ،
 باب دوم ، فصل دوازدهم) .

x x x

بموازات احادیث و روایات ، رکن دیگر مکتب
 " دکانداران دین " احکام و فتاوی فقها است که عموماً
 بر اساس احادیث وضع شده است ، و بهمین دلیل بسیاری
 از آنها نیز ، چون پایه‌های ست و ساختگی دارند ، خود
 نیز ساختگی و مست هستند . برای این احکام و فتاوی
 غالباً هیچ متن قرآنی یا متن کاملاً موثقی نمیتوان
 یافت ، ولی فقه مکتب فیضیه همواره آنها را احکام
 ثابت و لایتغیر الهی اعلام کرده و فقها و قضات شرع
 مبین را نیز برای اجرای آنها دارای صلاحیت کامل
 دانسته است ، با این متفق ، و بر اساس همین احکام
 و فتاوی فقهی ، در طول ده قرن اخیر ، بفرمان مجتهد ،
 قاضی و حاکم شرع ، فقیه ، محتسب ، امام جماعت و
 آخوند محل ، مردم بی‌شماری را با عنوان مهدورالدم ،
 مرتد ، ملحد ، زندیق ، کافر ، منافق به قتل رسانده
 یا به اتهامات دیگر سنگسار کرده ، دست و پا بریده ،
 قصاص کرده ، حد زده ، تعزیر یا نفی بلد کرده ، و
 احکام بیحد و حصر حق یا ناحق در ضبط اموال ، مصادره ،
 دیه و خونبها ، عقد وصیغه ، حیض و نفاس ، نجاسات و
 طهارات ، معاملات ، وجوه برتیه ، و کلیه امور روزمره

زندگی افراد ، از مهمترین تا ناچیزترین این امور ، صادر کرده‌اند .

در فصل مربوط به امور قضائی کتاب حاضر صفحات ۶۵۹ تا ۸۰۴) و متن احادیث و احکام مربوط بدان (صفحات ۶۶۴ تا ۷۵۸) در این زمینه اطلاعات بیشتری خواهید یافت ، در اینجا فقط نمونه‌هایی از این احکام ، و بطور غیر مستقیم از احادیث مربوط بدانها ، نقل شده است بدین منظور که فصل حاضر در باره طبقه‌بندی احادیث تکمیل شده باشد .

این احکام و فتاوی ، از یکی از معتبرترین کتب فقه شیعه در مکتب روحانیت مبارز ، یعنی جامع عباسی تألیف شیخ بهائی معروف ، که در زمان شاه عباس تدوین شده است و نخستین اثر جامع فقه شیعه بشمار میرود ، استخراج شده است :

- " خریدن و فروختن بچه‌ای که در شکم مادر و پشت پدر باشد مکروه است ، مگر آنکه چیز دیگری را بدان ضمیمه کرده باشند . و نیز مکروه است خریداری برادر و عم و خال و سایر خویشان . "

- " و اگر مرد آزاد بنده‌ای را کشته باشد او را نمیکشند ، و اگر مقتول جهود باشد فقط تعزیرش میکنند و دیه میدهند ، و پدر و جد را جهت قتل پسر و پسرزاده نمیکشند بلکه ایشانرا فقط تعزیر میکنند . "

- " اگر کسی لب پائین شخصی را ببرد باید دوشلث خونبها بدهد ، و اگر لب بالای او را ببرد یک ثلث ، و اگر خایه چپ او را ببرد باید دو ثلث خونبها بدهد و اگر خایه راست او را ببرد باید یک ثلث بدهد ، و اگر کاری کند که بول شخصی تا نصف روز منقطع شود باید دوشلث خونبها بدهد . "

- " خونبهای زنی که حامله باشد سه ربع خونبهای

مرد است ، و خونبهای مرد جهود هشتصد درهم است ، و خونبهای زن جهود چهارصد درهم ، و در کستن جهودان و ترسایان و غیرایشان از اصناف کفار ، کفاره واجب نیست . "

— " حد دزدی آن است که دست او را قطع کنند ، و سنت است که دست و پای دزد را بعد از بردن به روغن زیتون داغ کنند . "

— " و حد زنا سنگار است ، و باید سنگهایی که میزنند بزرگ نباشد تا زود او را نکشد . و جایز نیست که بجای سنگار از شمشیر یا گلوله و امثال آن استفاده شود ، زیرا قتل از طریق سنگار لازمه اسلام است تا منشاء نزول برکات الهی گردد . و شخصی که مستحق این مجازات است خواه مریض باشد و خواه سالم باید که سنگار شود ، هیچ لزوم ندارد که صبر کنیم تا از نظر مزاجی بهبودی یابد ، و ابتداء خمینی مدظله العالی نیز در تحریر الوسيله فتوی داده اند که " کیفر افراد مریض و مستحاضه و کسانی که در بدنشان زخمیانا راحتیهای جسمی دیگری است اگر اعدام و یا سنگار باشد ، واجب است که حد بفوریت اجرا شود و تأخیر در آن حرام است . "

— " و حد تعزیر است کسی را که پسر خود را بکشد یا غلام خود را بکشد ، یا ماهی بی فلس بخورد ، یا با حرکت دست منی از خود بیرون آورد . "

— " و اگر یکی از مرد یا زن بعد از عقد نکاح دیوانه شوند ، اگر زن دیوانه شود مرد نکاح را فسخ میتواند کرد ، و اگر مرد دیوانه شود زن نکاح را فسخ نمیتواند کرد . و اگر مرد یا زن جذام بگیرند ، مرد فسخ نکاح میتواند کرد و زن فسخ نکاح نمیتواند کرد . و اگر مرد پیش از عقد خایه نداشته باشد زن فسخ نکاح میتواند کرد ، اما اگر بعد از دخول خایه اش را بکوبند

با بزنند ، درباره این خایه مجتهدین عظام را دوقول است ، واضح آن این است که اگر فقط یک خایه کوبیده شده باشد زن اخبار فسخ ندارد ، اما بدون هر دو خایه کار اشکال پیدا میکند . "

- " و اگر مرد پیش از آنکه دختر عمه یا دختر خاله خود را بگیرد با مادر آنها زنا کند دیگر نمیتواند با آنها ازدواج کند ، اما اگر بعد از ازدواج با دختر عمه یا دختر خاله خود با مادرشان زنا کند عقد آنان باطل نمیشود . و اگر با زنی غیر از عمه و خاله خود زنا کند احتیاط واجب آنست که با دختر آنها ازدواج نکند ، ولی اگر زنی را عقد نماید و بعد با مادر او زنا کند آن زن بر او حرام نمیشود . همچنین است اگر پیش از نزدیکی با او با مادرش زنا نماید . "

- " اگر کسی دخترنا بالنی را برای خود عقد کند ، و پیش از آنکه نه سال دختر تمام شده باشد با او دخول کند و راه بول و حیض یا حیض و غایب او را یکی نماید ، دیگر نباید با او نزدیکی کند ، اما اگر راه بول و غایب او را یکی کرده باشد احتمالاً اشکالی ندارد . "

- " اگر کسی با اسب و قاطر و الاغ مقاربت کند باید آنها را از شهر بیرون ببرند و در جای دیگر بفروشند ، اما اگر با گاو و گوسفند و شتر مقاربت کنند باید آنها بی تاخیر بکشند و بسوزانند . "

- " و اگر مردی بر زن مرده خود دخول کند تعزیر میشود . "

.....
- " و در دیه ، نصف خونبها واجب است بر کسی که یک لب یا یک خصیه مردی را ، یا یک طرف فرج زنی را ، یا یک طرف مقعد کسی را ببرد ، و دوثلث خونبها واجب است بر سریدن خایه چپ شخصی ، و یک ثلث خونبها لازم است

بربریدن خایه راست شخصی" (متن حکم فقهی در صفحه ۶۶۶)

فتوای شرعی روشن و محکمی است . با این وصف مشکل کوچکی در مورد آن وجود دارد که چون در حال حاضر برای خود من امکان دسترسی به آیات الله مدرسه فیضیه نیست ، اگر شما چنین امکانی را داشته باشید لطفاً جواب این مشکل را از طرف یکی از مراجع عالی تقلید به من اطلاع دهید که کسی اگر بفرض هم خواسته باشد فقط " یکطرف مقعد کسی را ببرد " ، چگونه میتواند اینکار را بکند بطوریکه طرف دیگر مقعد سالم بماند ؟ و این مسئله هم روشن شود که کسی که با این زحمت و دقت بسراغ اینکار می رود ، چه مرضی باید داشته باشد که فقط به بریدن نصف مقعد طرف اکتفا کند ؟

- واگر زن بزرگی کسی زن کوچک او را شیر دهد ،

هر دو بر شوهر حرام میشوند ، در صورتیکه شوهر بر زن بزرگ دخول کرده باشد ، واگر دخول نکرده باشد فقط زن بزرگ براو حرام میشود ! (متن حکم فقهی در صفحه ۷۰۸) .

مؤمنین نگران نباشند ؛ اگر زن بزرگ این کار نسنجیده را بکند فقط خودش از بابت آن تنبیه میشود ، ولی دخول بر زوجه شیرخواره ، کماکان برای مؤمن مجاز است !

به این فتاوی بسیار اخلاقی و انسانی که از قول سه تن از ائمه در بحار الانوار و حلیه المتقین نقل شده است نیز توجه فرمائید :

- حضرت امام محمد باقر فرمودند که فاخته در آواز خوانی میکند میگوید فقدتکم فقدتکم یعنی نیست شوید ، پس شما او را بکشید .

- و از حضرت امام جعفر صادق منقول است که با کسی

نیست به کشتن مورچه ، ولو آنکه آزارت نکند .

- و حضرت امام رضا فرمود که با کسی نیست شب مرغان را از

خدا : هارون الرشید آسمان

پس از بررسی کوتاهی که درباره حدیث واحادیث ، معتبره و کم اعتبار و غیر معتبره ، بعمل آمد ، اکنون میتوان خطوط اساسی آن فرهنگی را که هزار و صد سال پیش از این بر اساس مجموعه همین حدیثها و روایات ، بدست " مکتب روحانیت مبارز " پی ریزی شد - و در قرون بعد با توجه به شرائط مختلف زمانی و مکانی تعدیل یا تکمیل گردید - مشخص کرد . این خطوط اساسی ، اجزای سازنده همین فرهنگی هستند که بیش از ده قرن است رایج ترین مکتب فکری سرزمین ما بوده است ، و هنوز هم هست .

مکتب فکری آخوند در جامعهای پی ریزی شد که پیش از آن از فرهنگ انسانی غنی و ریشه داری برخوردار بود ، و برداشت والائی از مفاهیم آفرینش ، انسان ، زشت و زیبا ، خوب و بد ، ماده و معنی داشت . خدا را از آغاز در جلوه یکتائی اودیده : و لا اقل هزار سال پیش از بنیان گذاری مکتب آخوند ، از وی بصورت " پروردگار بزرگی که از روز نخست افلاک را با فروغ خود روشن ساخت و با خرد

خویش نظم بخشید ، پرورگاری که سر آغاز و سر انجام همه چیز است ، سرچشمه خرد و اندیشه ، و آفریننده راستی و پاکی ، و داور نیک کردار همه مردمان جهان ، و آنکه همواره جاوید است " یاد کرده بود (اوستا ، گاتها ، های (۳۱) .

و همین فرهنگ در دوران اسلامی خود نیز ، همچنان

خدا و آفرینش را در همین جلوه کمال زیبایی و معنویت
آنها دید . از زبان عطار گفت :

عرش و عالم جز ظلمی بیش نیست ،

اوست این ، پس جمله اسمی بیش نیست !

و از زبان مولانا گفت :

دوئی از خود بیرون کردم ، یکی دیدم دو عالم را ؛

یکی جویم ، یکی گویم ، یکی دانم ، یکی خوانم !

و از زبان حافظ گفت :

حسن روی توبه یک جلوه که در آینه کرد ،

این همه نقش در آئینه او هام افتاد !

و از زبان بابا فغانی گفت :

یک چراغ است درین خانه ، که از پرتو آن

هر کجا مینگرم انجمنی ساخته اند

مکتب آخوند در ایران بابت پرستان جا هلیت عرب

صدرا سلام سروکار نداشت ، بایک فرهنگ کهنسال غنسی و

سرشار از معنویت و از زیبایی سروکار داشت . ولی این

زیبائی و معنویت برای قشریون این مکتب که به گفته

مولانا دل به محراب و روی به بازار داشتند ، قابل

درک نبود ، و تازه از درک آن سودی نیز نمیجستند ،

زیرا سروکارشان با کسانی نبود که ظرفیت ادراک این

معنویت را داشتند ، با کسانی بود که آخوند از آنان

ظرفیت ادراک و ظرفیت تفکر و تعقل هر چه کمتری انتظار

داشت تا مقلدان هر چه مطمئن تری برای مجتهدان

بزرگوار باشند .

نتیجه این تضاد روشن بود : اگر آخوند نمیتوانست

خودش را ، و بالطبع مؤمنان مقلد خودش را ، تا سطح درک

خدا و دین آنطور که فرهنگ والای ایرانی میخواست بالا

ببرد ، میتوانست خداودین را تا سطح ادراک خسودش و مقلدین خودش ، پائین بیاورد .

همینکار را هم کرد . و در نتیجه خدا ، در فرهنگ آخوند بمقام یک هارون الرشید " آسمانی " تنزل یافت : خلفه‌ای شد بسیار مقننر و توانا ، ولی با همان مجموعه صفها و غرایزی که خلیفه زمینی داشت : خود گامه ، انتقامجو ، کینه‌نور ، لحماز ، " پلٹیک زن " و " دمدمی " بطوریکه گاه بایک صلوات یا یک قطره

اشک میتوان طوری دلش را بدست آورد که یک قرش‌دانگی از زمره ویاقوت یا چندین هزار حوری در بهشت به مؤمن ببخشد ، و گاه بایک ریش‌نتراشیدن وسیل گذاشتن میتوان چنان خشمگینش ساخت که همین مؤمن را بدل به کرگدن کند و یا از سرب قعر هفتاد طبقه از طبقات جهنم بیندازد . تصویر جامع‌ی از این خدا ، نه فقط در آثار درجه دوم و سوم مکتب آخوند ، و نه تنها در عصر آخوند پرور صفوی ، بلکه درست از همان هنگام بنیانگذاری مکتب دکانداران دین ، در مهمترین اثر این مکتب ، " اصول کافی " و در کتب سه‌گانه دیگر از کتب اربعه ، طی احادیث متعددی - که طبعاً هر یک از آنها بوسیله زنجیره‌ای از راویان موثق به یکی از ائمه اطهار یا به رسول اکرم میرسد - ترسیم شد ، که از هر کدام از گروه‌های این احادیث نمونه کوتاهی در کتاب حاضر دیدید و خواهید دید . تصور آن مشکلی نیست که وقتی که یک مرجع درجه اول جهان تشیع ، مانند ثقة الاسلام کلینی (که شخصاً معاصراً ما مدوازدهم بوده و بادوران مستقیم ائمه فاصله‌ای بسیار کوتاه داشته است) چنین تصویری را از خداودین ارائه دهد ، حدیث پرداز شیادی چون محمدباقر مجلسی ، ملاباشی دربار شاه سلطان حسین ، تا چه اندازه میتواند در ایمن راه پیش برود .

مجموعه این احادیث ، خدائی را به شما عرضه میکند که در واقع هارون الرشیدی پیش نیست . به هر مخلوق خود ، در موقع تولدش ، بی آنکه دلیل خاصی در کار باشد ، ستفاوت از یک جزء تا ۴۹۰ جزء از مواهب دنیا را میبخشد ، یعنی مردمان را از همان لحظه ولادت به ۴۹۰ نوع آدم بالا و متوسط و پائین در درجات مختلف تقسیم میکند ، و بعد هم به پیغمبر خودش حضرت آدم توفیح میدهد که مخصوصاً اینطور کردم که بر آنها با سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن " آسانتر حکومت کنم ، و به کسی هم فضولی در کار من نیامده است (متن حدیث در صفحه ۴۹۶) .

همین خدا ، وقت دیگر با یک پیغمبرش یک سه دو میکند و با یکی دیگر چانه میزند تا پس از مدتی کلنجار رفتن معامله را با دادن تخفیف قابلی جوش بدهد . برای پیغمبری نسخه تقویت قوه جماع مینویسد ، و برای پیغمبر دیگرش معجون حاضر و آماده ای را میفرستد که در بهشت برای همین منظور تهیه شده است . نسخهای هم به محمد رسول اکرم میدهد که قرآقر شکم و بواسیر را آرام میکند و مایه اصلی آن سیرمقشر و شیرگا و و با بونه است ، و بمنظور ابراز رضایت از چند بنده مقرب خود مقداد بن اسود و ابوذر غفاری و سلمان فارسی ، برای همجواری با آنها حوریانی بهشتی به لطافت در و مرجان میفرستد (متن حدیث کافی در صفحات ۵۰۳ تا ۵۰۵ نقل شده است) .

یک وقت با پیغمبرش در معراج سرسری میگذازد و برایش تقلید صدای علی را در میآورد (حدیث در صفحه ۵۱۹) ، و وقت دیگر ملکی را در عرش گریم میکند و او را به قیافه و لباس علی در میآورد که روی کرسی مخصوص بنشیند و در هر شب جمعه هفتاد هزار از ملائکه زیارتش کنند (آیه الله دستغیب : معراج) . گاهی تصمیم به کاری میگیرد ، و بعد بخاطر کار دیگری که خودش هم از آن مطلع

بوده ، غضب میکند و تصمیمش را تفسیر میدهد (حدیث در صفحه ۵۰۵) . گاهی بندگان خود را تبدیل بسه حیوانات میکنند ؛ عرب بادیه نشینی را که دیرزی کرده است بصورت خرس درمیآورد ، و پادشاهی را که زنا و لواطه کرده بصورت فیل، و زنی را که غسل حیض و جنابت نکرده بصورت خرگوش، و مردی را که مردم با او عمل قبیح کرده اند بصورت کرگدن (حدیث در صفحه ۷۸۳) .

(میدانم که حتی تذکرچنین مطالبی شرم آور است ، مع هذا این تذکر از آن جهت ضرورت دارد که بهتر از هر سند دیگری میتواند ماهیت ریاکارانه مکتب حدیث ساز خود را نشان دهد .)

همین برداشت را مکتب آخوند از پیمبر و ازامان دارد ، و این عجب نیست ، زیرا وقتیکه بتوان با خدا چنین معامله کرد ، این معامله را با پیغمبر و امام او آسانتر میتوان کرد .

بدین ترتیب است که آن محمد که مولوی در باره اش گفت :

با محمد بود عشق پاک جفت

بهر عشق او خدا لولا ک گفت

در مکتب آخوند مرد آزموده ای میشود که بتفصیل بهترین طرق آزمایش شده مجامعت و مناسبترین اوقات آنرا برای دامادش علی توضیح میدهد ، و در جای دیگر به مؤمنین خود میفرماید : " نمیدانید ترکیب هلیله سیاه و هلیله زرد و سقمونیا و خشخاش سرخ و نمک هندی (وغیره وغیره) چه اندازه قوت جماع میبخشد ! "

و آن علی که فردوسی در وصفش چنین یاد کرد :

براین زادم وهم براین بگذرم

چنان دان که خاک پی حیدرم

و عطار گفت :

مرتضی رامی مکن برخود قیاس

زانکه درحق غرق بود آن حقشناس

در مکتب آخوند بدل به کسی میشود که توصیه میکند

که : " بخواه زن گندمگون سیاه چشم سیاه موی بزرگ

سریں را ، پس اگر از او خوشت نیامد بیاورش و مهرش را

از من بگیر. " و اونیز به مؤمن دستور میدهد که :

" هر دزدی که ترا عارض شود ، پس با زن خود جماع کن

تا ساکن شود. " و اما هات اظهار میدارد که : " حضرت

رسول مرا به مدینه فرستادند تا گهای آنجا را بکشم. "

.....

در فرهنگ آخوند ، عرش اعلی نیز بارگاهی است

نظیر بارگاه هارون الرشید (که طبعاً برای محدثان

بزرگوار بارگاهی آشنا بوده است) ، البته خیلی بزرگتر

و پرشکوه تر ، ولی با همان حاجب و دربان و قراول و

پساوول و تشریفات و مقررات . ملائکه مقرب هر کدام دریکی

از طبقات آسمانها دیوان و دفتری مخصوص خود دارند و

سایر ملائکه نیز بترتیب اهمیت مقام خود در صفوف

مختلف خدمه اشخاص وظیفه میکنند . بارگاه خاص

خداوند در طبقه اعلی است که " بیت المعمور " نام

دارد ، و " روزی هفتاد هزار فرشته بدان وارد و خارج

میشوند " . در این اطاق انتظار ، پیغمبران مختلف

برای شرفیابی گرد می آیند و در مراجعت از شرفیابی نیز

مدتی آنجا استراحت میکنند و با سایر انبیاء به درد

دل و گفتگو می پردازند .

از رسول اکرم روایت شده است که جایگاه عزرائیل

در آسمان چهارم است و وی در آنجا خیلی عبوس بر تختی

نشسته است و لوحه همه کسانیرا که باید جانشان را بگیرد

در پیش روی خود دارد. اسرافیل نیز در دفتر کار خودش لوحه‌ای در برابر دارد، منتها این لوحه برای گرفتن وحی است، یعنی فرامین مادریه از ملائکه اعلیٰ اول بر آن نقش می‌سندد، بعد اسرافیل لوح را به میکائیل می‌دهد که بازرسی کند، بعد میکائیل آنرا برای احرابه جبرئیل می‌دهد؛ گاه نیز او امری بطور اختصاصی به یکی از این ملائکه مقرب ابلاغ می‌شود که با اطلاع دیگران نمی‌رسد. مثلاً طبق حدیث معتبری که آیت الله دستغیب شیرازی، شهید محراب، در کتاب معراج نقل کرده‌اند: "روزی جبرئیل نزد رسول الله نشسته بود و گفتگو میکرد. ناگهان لرزید و پناه آورد به او. طولی نکشید که اسرافیل برای دیدن رسول الله آمد و پیغامی را که آورده بود ابلاغ کرد. وقتیکه رفت جبرئیل راحت شد. رسول خدا فرمود چه شد که لرزیدی؟ گفت: اسرافیل را دیدم که از آسمان بزمین می‌آید، ترسیدم که شاید می‌خواهد قیامت برپا شود، چون اسرافیل مأمور است فقط در روز قیامت بزمین بیاید و در بیت المقدس در صورت آمدن ولی خوشبختانه معلوم می‌شود که قضیه باین اهمیت نبوده، و فقط چون جبرئیل دم دست خداوند نبوده اسرافیل مأمور ابلاغ امر او شده است."

ولی جبرئیل ملکی نیست که همیشه اینطور بلرزد. خیلی هم مقتدر و زورمند است. آنقدر زور دارد که یکبار شهر لوط را بر بال خود گذاشته و به اندازه‌ای بالا برده است که صدای خروسهای این شهر را اهل آسمانها شنیده‌اند، و بار دیگر شیطان را با بالش بطوری از بیت المقدس پرتاب کرده که آن ملعون بدریای چین افتاده است. آیت الله دستغیب که این روایات را نقل کرده، این حدیث را آورده است که حضرت محمد اولین باری که جبرئیل را در صورت اصلی او با ۶۰۰۰۰ بال مشاهده نمود

غش کرد . با این وجود ملائکی هم هستند که طبق روایت آیت الله شهید ۱۶،۰۰۰ سال دارند .

حتی یکبار حضرت رسول در شب معراج ملکی را می بیند که هزارهزار (یک میلیون) دست دارد ، و هردست او هزارهزار (یک میلیون) انگشت دارد ، و هر انگشت او هزار هزار (یک میلیون) بند دارد .

آیه الله دستغیب در تکمیل اوصاف " سدرۃ المنتهی " ، با زهم از قول حضرت محمد نقل میکنند که : " چون در کنار درخت تنهانشسته بودم ، یکی از شاخه های سدره را دیدم که میوه هایش مثل پستان زنان بود (!) و سر آن میوه ها روبه زمین بود . و دیدم که از بعضی از آنها شیر میریزد ، از بعضی عسل میریزد ، از بعضی روغن شیر میریزد ، از بعضی شبیه نان سفید ، از جایی هم لباس میریزد .

رسول اکرم درخت معروف طوبی (درخت بهشت) را نیز در لیلۃ المعراج می بیند " که اگر پرنده ای برای رسیدن به بالای آن حرکت کند باید صدسال راه بپیماید ، و فاصله هر برگ آن تا برگ دیگر یکسال راه است " و آیه الله از قول حضرت محمداضافه میکند که : " اصل این درخت در خانه علی بن ابیطالب است " .

باریافتن به عرش اعلی نیز از نظر محدثان عالیقدر ، نظیر همان تشریفات بارگاه هارون الرشید را دارد . تفسیر بسیار معتبر جلالین درین باره حاکی است که : " ... رسول الله فرمود : پس از نماز خواندن در مسجد الاقصی ، سوار بر ابراق شدم و همراه جبرئیل بسوی آسمان اول پرواز کردیم . در دروازه آسمان موکل بمسأ دستور توقف داد و پرسید : کیست ؟ گفتم : جبرئیل است . دوباره پرسید : این که همراه تو است کیست ؟ گفتم : محمداست . پرسید : احضار شده است ؟ گفتم آری ! آنوقت